

45694 - معنای سخن پیامبر ﷺ که: «بیماری منتقل نمی شود»

سوال

نص اصلی حدیث «بیماری منتقل نمی شود» چیست و منظور از آن چه هست؟

پاسخ مفصل

این حدیث با الفاظ گوناگونی روایت شده از جمله لفظی که بخاری (۵۷۷۶) و مسلم (۲۲۲۴) از انس بن مالک - رضی الله عنه - از پیامبر ﷺ روایت کرده اند که فرمود: «بیماری منتقل نمی شود و نحوست حقیقت ندارد و خوش فالی را دوست دارم» گفتند: خوش فالی چیست؟ فرمود: «سخن نیک».

همینطور بخاری (۵۳۱۶) از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت کرده که پیامبر ﷺ فرمود: «بیماری منتقل نمی شود و نحوست و هامه و صفر حقیقت ندارد». (هامه: در جاهلیت اعتقاد داشتند استخوان های مرده یا روح او پس از مرگش تبدیل به پرنده ای می شود و بر خانه ها می نشیند. صفر: در جاهلیت اعتقاد داشتند ماری به نام هامه در شکم جانوران هست که آنان را بیمار می کند).

شیخ ابن عثیمین - رحمه الله - می گوید: اینکه رسول الله ﷺ می فرماید: «بیماری منتقل نمی شود» نفی جنس است و نفی جنس عام تر از نفی یک یا دو یا سه مورد است، زیرا به معنای نفی کلی است. بنابراین پیامبر ﷺ انتقال بیماری را کلاً نفی کرده است. عدوی یعنی انتقال بیماری از شخص بیمار به شخص سالم، و این همانطور که در بیماری های حسی رخ می دهد در بیماری های معنوی نیز وجود دارد، به همین سبب رسول الله ﷺ می فرماید: «هم نشین انسان بد مانند کسی است که کنار دمنده در کوره ای آهنگری بنشیند؛ یا لباس را می سوزاند و یا بوی بدش به تو می رسد».

بنابراین «لا عدوی» (بیماری منتقل نمی شود) شامل هر دو بیماری حسی و معنوی می شود، هر چند برای بیماری های حسی آشکارتر است.

و معنای «لا طیره» یعنی «طیره» به معنای شوم دانستن یک چیز یا یک سخن حقیقت ندارد.

در مورد «هامه» دو تفسیر موجود است:

نخست اینکه عامه پرنده ای است مشهور شبیه به جغد یا خود جغد. عرب معتقد بودند که وقتی کسی کشته شود استخوان هایش تبدیل به هامه می شود و پرواز در می آید و فریاد می کشد تا آنکه انتقام خود را بگیرد، و شاید برخی معتقد بودند که روح مرده

تبدیل به آن پرنده می شود.

تفسیر دوم این است که برخی از عرب می گفتند: هامة همان پرنده‌ی معروف (جغد) است، اما آنان این پرنده را نحس می دانستند و اگر بر خانه‌ی آن‌ها می نشست و آواز می خواند می گفتند ناله‌ی مرگ است و معتقد بودند این دلیل نزدیکی اجل اوست، که بدون شک همه‌ی این‌ها باطل است.

در معنای «**صفر**» گفته شده که منظور ماه صفر است، زیرا عرب این ماه را به ویژه برای ازدواج نحس می دانستند. و برخی هم گفته‌اند دردی است در شکم که شتران دچار آن می شدند و از یکی به دیگری منتقل می شد. بر این اساس عطف صفر بر عدوی از باب عطف خاص بر عام خواهد بود.

اما معنای نزدیک‌تر به صواب این است که منظور از صفر همان ماه صفر است، و منظور پیامبر ﷺ نفی نحوست این ماه است یعنی این ماه نیز مانند دیگر ماه‌ها است که امکان دارد خیر یا شر در آن مقدر شود.

اما نفی این چهار چیز به معنای نفی وجود نیست، زیرا این‌ها موجود است، بلکه منظور، نفی تاثیر است، زیرا تاثیرگزار، الله متعال است. بنابراین هر کدام از این موارد اگر مشخص شود که سبب چیز دیگر است، آن را سبب صحیح می دانیم، و هر کدام که سببی موهوم [و بی دلیل] است، باطل خواهد بود. در این صورت اگر سببی صحیح بود این حدیث به معنای نفی تاثیر ذاتی آن است، و اگر سببی باطل بود، حدیث گذشته به معنای نفی سببیت آن است.

بنابراین، این که رسول الله ﷺ می فرماید: «**لا عدوی**»، [معنایش عدم وجود ذات آن نیست] بلکه انتقال بیماری موجود است، و دلیل

آن سخن خود رسول الله ﷺ است که می فرماید: «**بیمار را بر سالم وارد نسازید**» یعنی کسی که شترش بیمار است، آن را وارد شتران سالم کس دیگر نکند تا بیماری آن منتقل نشود.

و همینطور این سخن رسول الله ﷺ که: «**از کسی که مبتلای جذام است بگریز، چنانکه از شیر می گریزی**». جذام بیماری خطرناکی است که به سرعت منتقل می شود و بیمار خود را از بین می برد، تا جایی که گفته‌اند طاعون است. دستور ایشان برای فرار کردن از جذامی برای این است که بیماری او به تو منتقل نشود و این اثبات تاثیر انتقال است؛ اما با این وجود، این تاثیر حتمی نیست و خودش علت تاثیرگذار نیست، و دستور پیامبر ﷺ برای وارد نکردن شتر بیمار در شتران سالم و دوری از جذامی از باب دوری از اسباب است، نه اینکه اسباب به خودی خود موثرند، چرا که اسباب تاثیر ذاتی ندارند بلکه باید از اسباب بلا دوری کرد چرا که الله متعال می فرماید: «**وَلَا تُلْفُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ**» [بقره/ ۱۹۵] (و خود را با دست خود به هلاکت نیندازید) و نمی توان گفت پیامبر ﷺ خود انتقال بیماری‌ها را نفی می کند زیرا واقعیت موجود و احادیث دیگر این را ابطال می کند.

شاید گفته شود: پیامبر ﷺ هنگامی که فرمود: «بیماری انتقال نمی‌یابد» مردی گفت: ای پیامبر خدا! شتر مانند آهو کاملاً سالم است،

ناگهان شتری که «گر» دارد نزد آن می‌آید و او نیز گر می‌گیرد! پیامبر ﷺ فرمود: «پس چه کسی این [بیماری] را به نخستین [شتر

بیمار] انتقال داده؟» اما معنای حدیث این است که این بیماری به امر الله به شتر نخست منتقل شده است، و انتقال بیماری نیز همینطور است، یعنی به امر الله منتقل می‌شود، چرا که یک چیز ممکن است سبب معلوم داشته باشد یا سبب مشخصی نداشته باشد و مبتلا شدن اولین شتر سبب معلوم ندارد جز اینکه به تقدیر الله متعال رخ داده، و مبتلا شدن شتر بعدی سببی معلوم دارد، اما اگر خداوند نخواهد گر نخواهد گرفت و برای همین است که گاه شتری گر می‌گیرد اما دوباره سالم می‌شود و به سبب آن نمی‌میرد و همینطور بیماری طاعون و دیگر بیماری‌ها مسری که وارد یک خانه می‌شود و در پی آن برخی می‌میرند و برخی سالم می‌مانند.

بنابراین انسان مسلمان باید به خداوند توکل کند، به همین سبب وقتی مردی جذامی به نزد رسول الله ﷺ آمده دست او را گرفت و

گفت: «بخور» یعنی از همان غذایی که پیامبر ﷺ از آن می‌خورد چرا که توکل رسول الله ﷺ کامل بود و این توکل در برابر این سبب انتقام مقاوم است.

این جمع میان احادیث (یعنی احادیثی که انتقال را نفی می‌کند و احادیثی که آن را ثابت می‌داند) بهترین سخن در این باب می‌باشد. (برگرفته از شرح کتاب التوحید: ۲/ ۸۰).

بر این اساس، معنای «لا عدوی» این است که بیماری به ذات خود از بیمار به سالم منتقل نمی‌شود، بلکه به تقدیر الله متعال منتقل می‌شود و هم‌نشینی سالم با بیمار یکی از اسباب انتقال بیماری است اما معنای آن این نیست که حتماً این بیماری منتقل خواهد شد، بلکه چنین نمی‌شود مگر به اذن خداوند. برای همین بسیار پیش می‌آید که شخص سالم به بیمار نزدیک می‌شود اما بیماری به وی منتقل نمی‌شود.

والله اعلم.